

بناهایی که در سکوت آوار می‌شوند



با ادامه روند تخریب بناهای تاریخی برای آیندگان چه چیزی به یادگار خواهیم گذاشت؟

با ادامه روند تخریب بناهای تاریخی برای آیندگان چه چیزی به یادگار خواهیم گذاشت؟ بناهایی که در سکوت آوار می‌شوند

جام جم آنلاین: دیروز: دستگیره فلزی را به آرامی کشید و در چوبی عمارت با صدای غژغژ روی پاشنه چرخید و بسته شد. مرد در تاریکی شب پا به خیابان سنگلج گذاشت، با لذت نمای بیرونی خانه را هنگام شب مشاهده کرد، کلاه شاپوی خود را روی سر مرتب کرد، در دل به خاطر مالکیت خانه به خود بالید و در تاریکی خیابان ناپدید شد، غافل از آن که 100 سال بعد این میراث، شبانه ضربه‌های کلنگ را بر بدنش تحمل خواهد کرد...

امروز: کارشناس املاک همراه صاحبخانه در چوبی را هل داد و وارد عمارت شد، ساختمان فرسوده حال نفس کشیدن نداشت، کارشناس با نگاهی اجمالی، قیمت نهایی را بدون احتساب بنا پیشنهاد داد، معامله بر راحتی انجام شد، از 7 مرداد 90 به بعد دیگر خانه‌ای به نام صداقت وجود نداشت، صداقت هم مانند چند خانه تاریخی دیگر به خاطره‌ها پیوست...

در جستجوی مقصر

کم نیستند چنین بناهایی در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر که تاریخی چند صد ساله دارند و اکنون در انتظار ویرانی قرار گرفته‌اند، ساختمان‌هایی که گویا در این کلانشهرها جای برج‌ها و مراکز خرید را تنگ کرده‌اند. از آنجا که روزبه‌روز بر تعداد تخریب‌ها افزوده می‌شود، برای بسیاری از مسوولان هم این داستان‌ها جذابیت اولیه خود را از دست داده است؛ هر چند ماه یک‌بار خبر از بین رفتن بنایی در گوشه‌ای از کشور به گوش می‌رسد و چند روزی توسط جراید در بوق و کرنا می‌رود و هر کدام از سازمان‌ها برحسب وظایف خود مشکلات را بر گردن نهاد دیگر می‌اندازند و پس از جر و بحثی رسانه‌ای همه چیز در سکوت مطلق فرو می‌رود. اما چاره چیست؟ تقصیر بر گردن مالکی است که تقاضای خارج شدن بنا از ثبت ملی و استفاده بهتر از ملک خود را دارد یا سازمان میراث فرهنگی که با توجه به بودجه در نظر گرفته شده توانایی خرید تمامی ساختمان‌های به ثبت رسیده را ندارد؟ شاید هم مقصر دیوان عدالت اداری است که به مالک اجازه می‌دهد در صورت تمایل صاحبخانه بر طبق قانون بنا را از ثبت خارج کند؟

ثبت بنا، زمینه ساز تخریب آن شد

اگر با صاحبان بناهای فرسوده صحبت کنید، تمایلی به از دست دادن ملک یا فروپاشی آن ندارند. حتی بسیاری خواستار فروش آن به سازمان میراث فرهنگی، بازسازی و باز شدن درهای آن برای تماشای عموم مردم هستند، اما سازمان میراث فرهنگی در این زمینه قدمی بر نمی‌دارد. تعدادی از این بناها به دلیل قرار گرفتن در دوره‌ای خاص یا برخورداری از سبکی در معماری شناخته شده‌اند و بعضی از آنها علاوه بر قدمت به دلیل حالت نوستالژیک خود منحصربه‌فرد هم شده‌اند. یکی از این بناها، خانه اتحادیه (میراث به جا مانده از امین‌السلطان) است، همان ساختمانی که ناصر تقوایی با یک بار دیدن عاشقش شد و باعث شد تا فیلمبرداری سریال دایی جان ناپلئون در آن صورت بگیرد.

بابک اتحادیه - یکی از مالکان این بنا - دلیل توجه رسانه‌ها به موضوع خارج شدن این خانه از فهرست میراث را خاطرات تصویری مردم از این بنا و به وجود آمدن حس نزدیکی بیشتر می‌داند و می‌گوید: جدا از خانه اتحادیه که با خارج شدن آن از فهرست ثبت ملی، دل بسیاری از مردم گرفت اما از نظر من آثار تاریخی فراوانی در بسیاری از نقاط ایران وجود دارند که در حال نابودی و از بین رفتن هستند، اما به دلیل ناشناخته‌ماندن یا حساسیت کم، مانند این خانه شناخته نشده‌اند. وی به ثبت رسیدن بنا را دلیل اصلی تخریب آن می‌داند و می‌افزاید: تا چند سال پیش تعدادی از بستگان من در این خانه زندگی می‌کردند و هر کدام تغییراتی جزئی در خانه خود ایجاد کرده بودند، اما وقتی خانه به ثبت رسید، هرگونه تغییرات در آن منوط به اجازه سازمان میراث شد و سختگیری شدیدی در این زمینه انجام گرفت و عاملی شد تا همه این خانه را ترک کنند. در حالی که اگر این سازمان همکاری بیشتری انجام می‌داد هم بنا حفظ می‌شد و هم ساکنان مجبور به کوچ از خانه نمی‌شدند.

خانه‌های تاریخی متروکه

بسیاری از کشورها به هر طریق ممکن سعی در نگهداری آثار تاریخی خود می‌کنند تا هم جنبه درآمدزایی آن از طریق جذب گردشگر حفظ گردد و هم اثر دیگری به فهرست افتخارات تاریخی و باستانی آنها اضافه شود. البته نخستین شرط در این راه، آن است که خانه به هیچ‌وجه خالی نماند و از آن استفاده شود. مالک خانه تاریخی امین‌السلطان در این خصوص هم می‌گوید: خود من به عنوان صاحبخانه علاقه‌مند بودم تا سازمان این ملک را خریداری کند و آن را تبدیل به مرکزی برای علاقه‌مندان به رشته‌های هنری کند. تا پیش از خارج شدن این خانه از ثبت هر از گاهی دانشجویان رشته معماری یا باستان‌شناسی برای واحدهای درسی خود به این محل رفت و آمد می‌کردند. با دیدن این وضع، من هم تمایل داشتم که بتوان این خانه را به آموزشکده‌ای برای طرفداران بناهای تاریخی تبدیل کرد، که متأسفانه چنین نشد.

او ادامه می‌دهد: از آنجا که ما قصد خیر داشتیم، با سازمان میراث فرهنگی برای فروش این خانه وارد مذاکره شدیم و با وجود آن که

کارشناس آنها قیمت بنا را 4 میلیارد و 650 میلیون تومان عنوان کرد، ما بر سر 4 میلیارد به توافق رسیدیم. با وجود این، پس از مدتی سازمان، دنگ، غبت، از خود باء، خنداء، نشاء، نداد ه به دلبا، تعدد هاء ما هم تصمیم به فوش، خانه به دنگان، گفتیم.

در بیشتر کشورهایی که دارای بناهای تاریخی و قدیمی هستند، با اعطای مجموعه‌ای از تسهیلات، معافیت از مالیات وام‌های بلندمدت

مالك خانه امين‌السلطان مي‌افزايد: با نامه‌ای که به ديوان عدالت اداری بردیم، خانه را از ثبت ميراث فرهنگی خارج کردیم. کارشناس هم با در نظر گرفتن موقعیت تجاری منطقه قیمت آن را 10 میلیارد تومان عنوان کرد که با قیمت پیشنهادی سازمان بسیار فاصله داشت. وقتی چنین برخوردهایی به وجود می‌آید قبول کنید که شما هم بودید دلسرد می‌شدید و تصمیم می‌گرفتید به منفعت خود بیشتر فکر کنید.

ناتوانی مالکان در نگهداری خانه‌های قدیمی

این داستان تنها شامل حال خانه معروفی مانند اتحادیه نمی‌شود و بناهای تاریخی دیگری که در گوشه و کنار کشور به سختی نفس می‌کشند، خود گواه این بی عدالتی‌ها هستند. تأمین مخارج نگهداری ساختمان بدون هیچ کمک و عدم اجازه برای انجام يك سری تغییرات و تعمیرات مشکل بزرگ بسیاری از مالکان بناهای ثبت شده در سازمان میراث فرهنگی است. احمدرضا بزرگ‌زاده که صاحب یکی از این خانه‌ها در شهر اصفهان است ناتوانی در مخارج را بزرگ‌ترین دلیل برای فروش می‌داند و تأکید می‌کند: این خانه متعلق به دوره قاجاریه بوده و زمان ساخت آن به 212 سال پیش باز می‌گردد که سال 1354 هم به ثبت ملی رسیده است. تاکنون تمامی مخارج بر دوش خود ما بوده و سازمان کمکی نکرده است. شاید تا چند سال پیش می‌توانستیم از پس این هزینه‌ها برآییم که با توجه به وضعیت فعلی، دیگر ادامه این کار غیر ممکن است. او ادامه می‌دهد: با این که ما تمایل داریم بنا را حفظ کرده و همچنان در آن زندگی کنیم، اما با این وضعیت و بی‌تفاوتی سازمان میراث فرهنگی، به فکر خارج کردن آن از فهرست ثبت ملی و فروش آن افتاده‌ایم. اگر تنها قرار باشد که مهر به ثبت رسیدن بر پیشانی این خانه باشد و هیچ کمکی از خود سازمان به ما نرسد چنین پلاکی چه ارزشی برای ما دارد؟ بزرگ‌زاده می‌افزاید: این خانه 4 طبقه است و با توجه به گچبری و مقرنس‌کاری‌های ظریفی که در آن صورت گرفته، نوعی خاص از معماری دوره قاجار را نشان می‌دهد که با توجه به هزینه‌های سنگین نگهداری آن، چاره‌ای جز فروش آن نمی‌بینیم.

خرید، تنها راهکار حفظ خانه‌های قدیمی نیست

میراثی‌ها هم خود از این وضعیت دل خوشی ندارند و از این همه تخریب خسته شده‌اند. مسوولان سازمان میراث فرهنگی معتقد هستند با توجه به بودجه اندکی که هر سال برای این سازمان در نظر گرفته می‌شود، توانایی خرید تمامی خانه‌ها و حفظ آنها را به این روش ندارد.

روح‌الله احمدزاده، رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری چندی پیش اعلام کرد بر اساس برآوردهای انجام‌شده ما سالانه به اعتباری حدود 500 میلیارد تومان برای تملک، احیا، مرمت و نگهداری آثار و بناهای تاریخی نیاز داریم در حالی که تمام بودجه‌ای که برای سازمان در نظر می‌گیرند، 50 میلیارد تومان است.

جدا از توانایی سازمان میراث فرهنگی برای خرید تمامی بناهای قدیمی دارای ارزش، چنین روشی در هیچ جای دنیا مرسوم نیست. در واقع در بیشتر کشورهایی که دارای بناهای تاریخی و قدیمی هستند، با اعطای مجموعه‌ای از تسهیلات، معافیت از مالیات، وام‌های بلندمدت یا اجازه تغییر کاربری به مالك، علاوه بر حفظ بنا خود مالك را مشتاق به نگهداری و حفظ آن می‌کنند.

چرا خانه‌ها از فهرست میراث خط خوردند

اتفاقی که در يك سال گذشته رخ داده و باعث خروج تعدادی از بناهای تاریخی از فهرست میراث فرهنگی شده، نیازمند کالبد شکافی بیشتر است. امید غنمی، حقوقدان و مدیرکل حقوقی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری می‌گوید: تمامی احکام خروج آثار تاریخی از فهرست میراث ملی، تنها با تکیه قضات دیوان عدالت اداری روی نظریه ارائه شده سال 1361 شورای نگهبان استوار است که براساس آن، ثبت آثار تاریخی که مالك خصوصی دارند، شرعا درست نیست. البته او از قانون دیگری هم خبر می‌دهد که سال 1375 به تایید شورای نگهبان نیز رسیده و برای تخریب‌کنندگان آثار تاریخی، مجازات تعیین کرده است. او در گفت‌وگو با «جام‌جم» می‌افزاید: در این قانون برای مالکان خصوصی که بنای تاریخی را تخریب می‌کنند، مجازات در نظر گرفته شده که مورد استناد کارشناسان سازمان میراث فرهنگی است و البته قضات دیوان عدالت اداری تنها به قانون سال 1361 مراجعه کرده و آن را سند قرار می‌دهند. در همین راستا، مهدی حجت، اولین رئیس سازمان میراث فرهنگی نیز چندی پیش به ایسنا گفته بود: خروج آثار تاریخی از فهرست آثار ملی با دفاع از مالکیت خصوصی و بر اساس قانون «الناس مسطون علي اموالهم» صورت می‌گیرد که البته يك قانون دیگر با عنوان «لاضرر» مقابل آن است که می‌گوید «لاضرر و لاضرار في الاسلام»؛ قانون لاضرر به این معناست که اگر چیزی را از بین ببرند و به جامعه مسلمانان ضرر برسد، عملی خطاست.

او ادامه داد: فرض کنید، من کتاب منحصر به فردی از ابوعلي سینا دارم که از اجدادم به من ارث رسیده است و می‌خواهم آن را بسوزانم، اگر از کسانی که دفاع از حقوق مالکیت فردی برایشان بسیار اهمیت دارد بپرسم آیا شرعا اجازه سوزاندن این کتاب منحصر به فرد را که به آن مسلط هستم و به من متعلق است دارم یا خیر، می‌گویند خیر، این کار اضرار به جامعه ایجاد می‌کند. حجت در پایان آن گفت‌وگو تأکید کرده است: وضعیت بناهای تاریخی نیز مانند کتاب است، وقتی يك متخصص بگوید، از بین بردن آن، اضرار به جامعه است، بنابراین نباید این کار با عذر شرعی انجام شود. رئیس ایکوموس ایران با اشاره به گذشت بیش از 30 سال از انقلاب اسلامی، پرسید: آیا در حدود 25 سال گذشته، دیگران خلاف شرع کرده‌اند و آیا فقط در 5 تا 6 سال گذشته مسوولان در حال برگرداندن حقوق مردم به آنها هستند؟!

قانون، قانون است

از آن سو سازمان دیوان عدالت اداری نیز مالکیت افراد را حق قانونی آنها می‌داند و معتقد است بنا بر قوانین نمی‌توان براحتی در مالکیت آنها دخالت کرد و در صورتی که مالکی خواستار بنا یا ملک خود باشد هیچ سازمان و قانونی اجازه دخل و تصرف در آن را ندارد. در این خصوص رئیس دیوان عدالت اداری، حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری گفته است: اقدامات خلاف قانون سازمان میراث فرهنگی و گردشگری را همچنان ابطال می‌کنیم. ما نه دستور تخریب می‌دهیم، نه در صلاحیت دیوان است که دستور تخریب بدهد و نه این‌که این را به مصلحت آثار ملی و مسائل مربوط به اموری می‌دانیم که در حوزه اختیارات سازمان گردشگری است. منتظری افزوده: طبق قانون نمی‌توان در مالکیت افراد که حق مسلم قانونی و شرعی است، محدودیت ایجاد کرد، لذا سازمان میراث فرهنگی نیز نمی‌تواند املاک اشخاص حقیقی را ثبت کند. ما به موجب قانون، حکم می‌دهیم. اگر دیگران اعتقاد دارند که این حکم اشکال دارد، درخواست اعمال ماده 18 کنند که قطعاً رسیدگی مجدد خواهد شد.

رئیس دیوان عدالت اداری در ادامه یادآور شد: اقدامات سازمان میراث فرهنگی خلاف قانون بوده و ما آنها را ابطال کرده و باز هم اعلام می‌کنیم که هر مورد مشابهی باشد، اقدام می‌کنیم. او در پایان صحبت‌هایش تأکید کرد: میراث فرهنگی باید یکی از این سه راه را طی کند؛ یا ملک را از افراد خریداری نماید، رضایت مالکان را جلب کند و یا این که قانون را به نحوی اصلاح کنند که سازمان حق داشته باشد اموال اشخاص را محدود کند. اگر یکی از این سه راه را بروند قطعاً ما حکمی مبنی بر ابطال اقدامات آنها نخواهیم داد.

میرن آدما، از اونا فقط!...

در میان بحث‌های حقوقی پیچیده، بسیاری از طرفداران میراث فرهنگی معتقدند که نمی‌توان براحتی دست از هر یادگاری که به نوعی نشان از گذشتگان و میراث کهن این سرزمین دارد، شست. هر اثر تاریخی به فراخور یادگارها، یادبودها، تعدادی از نمودها و نمادهای متعددی از سرزمین خود را یادآور می‌شود. به عنوان مثال خانه مشروطه در لاله‌زار يك یادگار است که با تاریخ مشروطه پیوند خورده و اگر بخواهیم چنین آثاری را حذف کنیم در حقیقت ریشه و پیشینه خود را از بین برده‌ایم. تأثیری که نوشته‌های قدیمی و مربوط به دوره‌های مشخص بر آیندگان و بازماندگان می‌گذارد، قابل مقایسه با آثار ملموس و بناهای تاریخی نیست. حال با نابودی و عدم حفظ این آثار آیا دیگر نشانه‌ای از تاریخ برای آیندگان ما باقی خواهد ماند. پیشینیان به حق، رسالت خود را در آثار به یادگار مانده ایفا کردند، اما سوال این است با ادامه چنین روندی ما چه چیزی برای آیندگان از خود به جا خواهیم گذاشت؟ مراکز خرید چند طبقه‌ای که با ظاهر شیک و پرزرق و برق خود روی خانه‌هایی با چند صدسال اصالت چنبره زده‌اند!

سمیرا نیکبخت / جام‌جم